



• پنج شنبه • ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۷ • شماره ۱۰۴۴

حدیث روز

پیامبر اکرم(ص): درهای آسمان در اولین شب ماه رمضان گشوده می شود و تا آخرین شب آن بسته نخواهد شد.
بحار الانوار

ذکر روز پنج شنبه

صد مرتبه «لا اله الا...الملك الحق المبین»

ذکر روز جمعه

صد مرتبه «اللهم صل علی محمد و آل محمد»

در محضر بزرگان

مراقب واردات قلب تان باشید

حجت‌الاسلام لقمانی درباره اثر نگاه روی قلب و سرنوشت انسان گفته‌اند:
بیشترین واردات قلب انسان از چشم اوست. وقتی چشم اقدام به واردات گناه کرد کم‌کم قلب هم منحرف می‌شود و به مرور دیگر اعضا هم منحرف می‌شوند. حضرت علی(ع) در کتاب غررالحکم و درر الکلم می‌فرمایند: «کسی که از راه منحرف شود پیش او خوبی‌ها ناپسند و بدی‌ها پسندیده می‌شوند و به مستی گمراهی مست می‌شود.»

تانمای سمت خدا

احکام

منع پزشک غیر امین از روزه داری

محمد علی ندائی:-از جمله مواردی که وجوب روزه برداشته می‌شود، جایی است که انسان بترسد روزه برایش ضرر داشته باشد؛ خواه با روزه داری بیماری اش تشدید شود یا این که روزه موجب بیماری شود.سوالی که در این جا مطرح می‌شود آن است که معیار تشخیص مضر بودن روزه چیست؟ آیا تنها به گفته پزشک می‌توان روزه نگرفت یا این که باید خود انسان با توجه به شرایط جسمی و تجربه شخصی و مانند آن بترسد روزه برایش ضرر داشته باشد؟ حضرت آیت ... خامنه‌ای در استفتایی می‌فرمایند: معیار تشخیص ضرری بودن روزه خود مکلف است خواه این تشخیص ضرر از گفته پزشک برایش حاصل شده باشد یا از تجربه خود یا از بیماران مشابه. معظم له در این باره چنین فتوا داده‌اند:

سوال: بعضی از پزشکان که به مسائل شرعی ملزم نیستند، بیماران را از روزه گرفتن به دلیل ضرر داشتن منع می‌کنند، آیا گفته این پزشکان حجت است یا خیر؟

جواب: تشخیص خود مکلف ملاک است. در صورتی که مکلف احتمال عقلایی بدهد و بترسد که روزه برای او ضرر داشته باشد روزه بر او واجب نیست، البته ترس از ضرر گاهی از گفته متخصص امین و گاهی از تجربه بیمارهای مشابه یا تجربه خود انسان حاصل می‌شود.

اندکی صبر

تلاطم دریا

ستار سلطانیان

می‌زند تاز یانه

بر ساحل

دریا، نیست رسم همنشینی

من در تلاطم

تو در تماشائ...

دنیا به روایت تصویر



گتی ایمیج | جاده‌ای در هانوور، آلمان

شوخی بزرگان

با توجه به گذشتن قیمت کله و پاچه این‌جانب از مرز ۱۰۰ هزار تومان، اعلام می‌کنم تا شوخی بزرگان بعدی، نه تنها سر هیچ سفره‌ای حاضر نمی‌شوم، که حتی با این دستمزدها در فصل بعدی کلاه‌قرمزی هم بازی نخواهم کرد. بمعله!



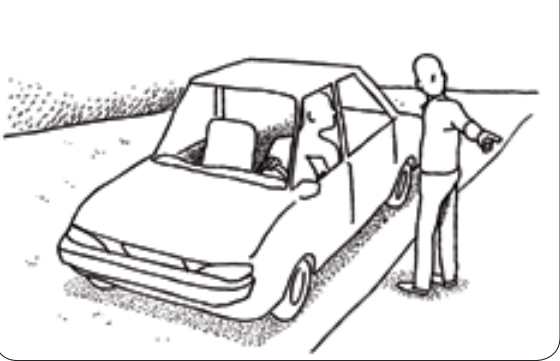
«بیعی»

تایخند

• نه این که آدم خرافاتی باشم ولی وقتی اینتر رو محکم‌تر می‌زنم، صفحه وب زودتر باز می‌شه!
• خوبی سوئد اینه اون شش ماه که شب ندارن هرچقدر دیر بیای خونه بابات نمی‌تونه بگه تا این وقت شب کجا بودی؟!
• فروردین یک سال طول کشید، اردیبهشت یک هفته!
• کرگدن با اون هیکل گیاه خواره، من دردم رو به کی بگم؟ تو باید بری اژدها شکار کنی بخوری، علف می‌خوری با اون هیکلت؟!
• کاش می‌شد افتخاری مدیرعامل استقلال رو بفروشمیم و قرارداد طولانی مدت با تیم ببندیم!
• خیلی ظلمه که برای بیست، سی روز صبح زود بیدار شدن و رفتن سر کار فقط یک بار حقوق میدن. تحمل این همه سختی لایق هر روز حقوق گرفتنه!
• بیاین همه‌مون چاق بشیم تا زمین سنگین بشه از مدار خارج بشه دیگه بهمون هی نگن چاق!
• به یک گروه اضافه شدم تو واتس‌اپ، از وقتی تشکیل شده، هیشکی به کلمه حرف هم نزده، هیچی، کلا هیچی، انگار کلاس یوگا زدن!
• رفتم سم خریدم دیدم فاسده. بردم به فروشنده گفتم این که تاریخش گذشته! فروشنده گفت داداش این که خودش سمه، فاسد هم شده، ببین چه پدری از حشرات موزی دربیاره! قانع شدم به کارتین دیگه ازش خریدم!

فتونکته

بهتر است یک بار بپرسی تا این که یک راه را دو بار اشتباه بروی



پنج شنبه یا

پرونده های مجهول

آزمایش های مخوف و اسرار آمیز فیلادلفیا (قسمت اول)

میترا اتاری مترجم

پروژه فیلادلفیا Philadelphia Experiment یا «نگین کمان» یکی از آزمایش های مخوف آمریکا در سال ۱۹۴۳ برای ایجاد تونل زمان و مکان بود. این آزمایش به طرز وحشتناکی پایان یافت و اگرچه آثار آن هنوز در اطراف بندر فیلادلفیا دیده می‌شود، نیروی دریایی آمریکا که مسئول این پروژه بود همچنان آن را رد می‌کند و هیچ توضیحی درباره آن ندارد. قبل و در طول جنگ جهانی دوم نیروی دریایی آمریکا دست به آزمایش هایی برای نامرئی کردن کشتی ها و هواپیماها زد. این نامرئی کردن به گونه‌ای بود که رادارها دیگر قادر به ردیابی این وسایل نباشندو به این منظور کل جرم وسیله مدنظر باید کاملاًوارد بعد دیگری از زمان -فضا می‌شد تا قابل ردیابی و بمباران نباشد. براساس اطلاعات محرمانه ای که هنوز صحت آن ها توسط هیچ سازمانی تایید نشده است، بزرگ ترین فیزیک دانان قرن از جمله «نیکلاس تسلا» و «جان ون نیومن» شروع به نظارت بر اجرای این

نشود ولی با این حال در ۱۲ آگوست ۱۹۴۳



یاهو | نجات اهالی روستاهای سیل زده، پاکستان

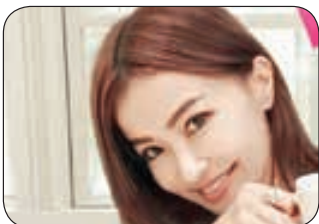
دور دنیا

حیوان خانگی که تبدیل به یک خرس درنده شد



است، به عنوان نوعی نژاد خاص از سگ خرید اما با گذشت زمان و تغییر شکل حیوان متوجه شد که با یک خرس قهوه ای بزرگ در خانه اش زندگی می‌کند. هر چند این حیوان تاکنون آسیبی به آن‌ها نزده است، اما برای جلوگیری از خطرات احتمالی به پناهگاه حیوانات وحشی منتقل شد.

زن ۴۷ ساله ای که از ۲۰ ساله ها جوان تر است



طرفداران را پیگیری زیاد متوجه شد که این زن متولد ۱۹۷۱ است و بر خلاف آن چه بقیه فکر می‌کنند، آن قدرها هم جوان نیست.

مسابقه این کیه؟

با تعصب!

سلام، برای مسابقه این هفته یک چهره محبوب رو انتخاب کردیم که یک عده دوستش دارن و یک عده نه! راهنمایی از این بیشتر؟ دست بختیونین و پاسخ هاتون رو بفرستین، عکس و کاریکاتوری هم که این جا می‌بینید «امیرحسین حایری زاده» برادر برنده مسابقه هفته پیش هستن که بهشون دوباره تبریک می‌گیم.
یادآوری روش مسابقه: شما باید تشخیص بدین کاریکاتور به هم‌ریخته چاپ شده کیه و اسمش رو تا ساعت ۲۳ فردا جمعه برای ما به شماره ۲۰۰۹۹۹۰ پیامک کنید. جواب رو یک شنبه همین جا می‌بینید. بین کسانی که جواب درست رو بفرستن، قرعه‌کشی می‌کنیم تا یک نفر برنده معلوم بشه و کاریکاتور برنده رو پنج شنبه هفته بعد با مسابقه بعدی، همین جا خواهید دید. خوش باشین همیشه.



کشتی USS Eldridge با تمام خدمه اش مورد آزمایش قرار گرفت. هیچ کدام از ملوانان خبر نداشتند که چه اتفاقی قرار است بیفتد. دستگاه ها شروع به کار کردند و کلیدها زده شدند. کشتی با کلیه مردان داخلش ناپدید و چهار ساعت بعد دوباره در بندر فیلادلفیا ظاهر شد. شاهدان ماجرا گزارش می‌دهند که یک هاله سبز فسفری تمام کشتی را احاطه کرده بود. خدمه کشتی در آتش می‌سوختند و تعدادی دچار حمله قلبی و جنون شده بودند. ادعای برخی این گونه بود که تعدادی در بدنه و دیوارهای کشتی ذوب‌شده بودندو زنده جان می‌دادند. (ادامه در ستون پرونده های مجهول هفته آینده)
منبع: historicmysteries.com



تکراف | آماده سازی ورزشگاه جام جهانی روسیه ۲۰۱۸

تفال

مفروش عطر عقل به هندوی زلف ما
تخم وفا و مهر در این کهنه کشته زار
کان جا هزار نافه مشکین به نیم جو
آن گه عیان شود که بود موسم درو

کله جغوکی

آق کمال خرید باصرفه می‌کند

آق کمال | همه فن حریف

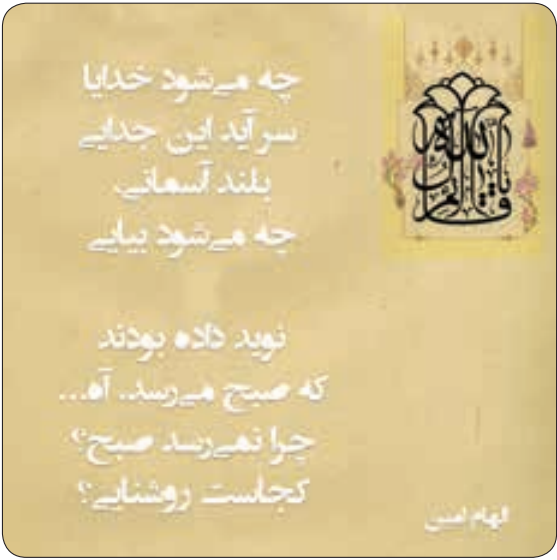


چند روز پیش رفته بودم خانه اقام. مادرُم شاکِی بود که جمال برازُم دره چاق مِره. اقام در حالی که داشت پرتقال ره پُر میکرد و تو دهن جمال مذاشت خندید و گفت: «ای نگو... کجاش بچه ام چاق رفته؟ ماشالا عین خودُم تو پُره. استقون بندیش درشته، بخور بابا جان...» و کله جمال ره ماچ کرد. آبجیم که سرش تو گوشمی بود، همو جور سر پایین پوزخندزد و گفت: «آره، استخون های خیکش هم خیلی درشت شده! دکمه های پیرهنش دیگه بسته نمی‌شه!» جمال با اخم بهش نگاه کرد و موز ره مثل گوشت کوب فرو کرد تو دهنش. مادرُم گفت: «باید برم براش لباس بخرم، رخشش دِگه بُرش نِمِره.» جمال شاکِی شد که رختاش براش خُردو رفته و خودش چاق نشده. کاملیا خانم گفت: «اگه می‌خوانی فردا شُشب بیریمش براش لباس بگیریم؟» مادرُم گفت: «ای نه! شما بَری چی زحمت بکشِن؟ خودمان مبرمش.» اقام با قاشق از تو سطل توت وداشت ریخت تو بشقابش و گفت: «چی اشکال دره؟ با برار و زن برارش بره براش لباس بخرن. سلیقه اونا یم بهتره.» مادرُم چشم و ابرو آمد. جمال گفت: «ها مو دوست درُم...» بابام قاشق پر از توت ره کرد تو دهنش. کاملیا خانم خیلی جدی بهش گفت: «باید مواظب باشی. اگه تو این سن چاق بشی دیگه به این راحتیا لاغر نمی‌شی ها!» جمال عذاب وجدان گریفت و مانده بود توتا ره قورت بده یا نه. گفتُم: «مدنی که زن داداشت دکنره و هرچی بگه درسته. حالا اونا رو قورت بده خفه نری!» از نقطه ضعفش استفاده کرده بودم، از بس به حرف کاملیا گوش مده. آبجیم هم گفت: «اگه اشکال نداره منم میام، یوسیدم تو خونه!»

فردا شُشب ورخاستم رفتم بازار. ماشالا قیمتا از بعد عید دو برابر رفته بود. یعنی همو جنسی که شُب عید به خیال خودمان گیرون مخریدم، الان روش زده بودن حراج ولی با دو برابر همو قیمت! رفتم اولین مغازه که از پیرهنای تو ویتریش خوششان آمده بود. فروشنده که آورد، آبجیم پرید جلو و گفت: «اوه چقدر خوبه!» پرسیدُم: «کار کجایه؟» فروشنده با تردید نگامان میکرد و مِن من میکرد که کاملیا خانم گفت: «ایرانیه که ایشالا؟ ما چینی واز این جور مزخرفات نمی‌خوایم!» فروشنده خوشحال گفت: «بله بله! کار تولیدی خودمونه!» یعنی کار به جایی رسیده که فروشنده ما ترسن بگن جنس ایرانی مُفروشن، از بس بعضیا دنبال خارجی میگردن.

خلاصه یگ جفت ازش برای برازُم وداشتُم، خودُم هم یکی خریدُم. آبجیم هم یگ سایز بزرگشه وداشت. گفت مُده! انصافا هم جنسش خوب بود، هم دوختش، هم حسابی چانه زدم و فروشنده ره با شک تو مغازه تنها گذاشتم!

فتوشعر انتظار



ما و شما

داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، طرح، عکس و هر ایده بامزه و جالب خود را به پیامک ۲۰۰۹۹۹۰۰ یا شماره ۹۰۱۸۳۷۴۱۸۴ در پیام رسان ایتا بفرستید.

• * چقدر جالب که در حدیث روز به ترتیب از اتمه(ع) حدیث چاپ می‌کنید. اجر شما با چهارده معصوم(ع).
• * آقایی صابری ممنون از نکته‌سنجی شما.
• * کاش در داستانک شوهر ایرادگیر، جمله آخرش رو نمی‌آوردید. خیلی نجسب و آزاردهنده بود، شیرینی داستان روا بین برد.
• * در دلم جایی برای هیچ کس غیر از تو نیست... گاه یک دنیا فقط با یک نفر پر می‌شود. تقدیم به همسر.
• * خدا بگم چیکارت نکنه دختر، حسابی خندیدم به خاطر سوتی سرا! چی بهت گذاشته؟!
• * من آن افسرده بی دل دماغم که در گل مانده است پای الاغم زبیکاری رفتم زخم بستر جهانگیری نمی‌گیرد سراغم!
• * یارمحمد خدنگی

احمد اقاوغلی، قوچان